

تاریخ تمدن

گاهنمای سنگسری

در سه فرسنگی شمال شهرستان
صمنان شهری واقع شده که سنگسر
نامیده میشود. این شهر از هر
چهار سوی محصور بکوه‌های
مرتفع و دارای آب و هوای سالم
و برای زندگی بسیار مناسب
است. بیماری‌های بومی آن انگشت-
شمار است و بر خلاف دیگر
شهرستانهای شمالی ایران امراضی
مانند مالاریا در آن دیده نمیشود.
سنگسر مرکز عشایر جسور
و سلحشور سنگسری است که
تعدادشان قریب به ۳۰ هزار نفر
است. سنگسریها دارای اندامی
بلند و موزون و بازوانی توانا هستند
چهره آنان کشاده چشم‌انسان
درشت و خرمائی رنگ و موی
آنان سیاه و گاهی بور است. زنان

نگارنده
چراغی عظمی «سنگسری»

و مردان سنگسرها همگی فعال و کارداند، هرگز تسلیم حوادث نمی‌شوند، از مبارزه با مشکلات لذت می‌برند، از باد و باران و برف و بوران نمی‌هراسند. جنگ و ستیز را لازمه زندگی میدانند، در سختیها برد بار و در دشمنی بیرحم و در دوستی بسیار وفادارند. میهن خود را چون جان گرامی و شاهنشاه را تاسر حد پرستش دوست دارند.

سنگسرها دارای زندگی دو گانه هستند یعنی تقریباً نیمی از سال را در شهر بسر می‌برند و برای نیم دیگر به مراکز عشایری و کله داری خود کوچ میکنند باین ترتیب که در اوایل بهار بکروه‌های از هفت تا ۱۵ خانواده‌ای تقسیم شده به چراگاههای خود که در پیچ و خم کوه‌های البرز است و از کنار دامغان شروع شده و به ماورای کندوان ختم میشود میروند و در کنار چشمه سارهای زیبا و مرغزارهای پهناور، گوت GOT های خود را که همان چادر باشد بر افراشته ماهها در آن زندگی میکنند. فقط سردارها هستند که در شهر میمانند و تعدادشان از ۲ هزار نفر تجاوز نمی‌کند. آنها که دائم در شهر میمانند دهخون یعنی دهگان نامیده میشوند و آنانکه در کوهها جای میگیرند کوهخون یعنی کوهگان نامیده میشوند.

سنگسرها از فرزندان خالص اولین دسته‌های آریائی هستند که به میهن بزرگ و بیمانند ما ایران آمده‌اند. هنوز پس از گذشت هزاران سال و با وجود تحولات و فرازونشیبهای بی‌شمار این سرزمین نه تنها لهجه شیرین آریائی ویژه خود را با سرسختی عجیبی که خاص آنهاست از آمیختن با واژه‌های بیگانه حفظ کرده‌اند بلکه در برقرار داشتن سنن باستانی نیز تمصب خاص نشان میدهند و آنرا در شهر و در اردوگاههای خود موبموا اجرا میکنند از این رو بجزرات میتوان گفت که زبان و طرز زندگی آنان نمودار نسبتاً کاملی از زبان و زندگی ایرانیان باستان است

اکنون برای اینکه گوشه‌ای از علاقمندی مردم سنگر را با آئین‌نیاکان با مجدد و عظمت خود نشان دهم گاهنهای سنگسری و جشنهای مربوط با آنرا مینگارم

سال سنگسر نیز دارای ۱۲ ماه ۳۰ روزه است اما برای روزهای اضافی همانطور که در ایران باستان مرسوم بوده است ایامی بنام پیتک Pitak دارند که شمارش آن بطور جداگانه صورت میگیرد و جزئی از ماهها محسوب نمیشود. منتها چون پیتک همیشه ۵ روز است و ساعات زائد بر ۳۶۵ روز را حساب نمیکند موقعیت ماهها از لحاظ فصول بطور غیر محسوسی تغییر مییابد با توجه به توضیح بالا ماههای سنگسری در وضع کنونی بشرح زیر است

Avanah mo	۱ - آونه مو	بهار Vihar بمعنی بهار
Pitak	- پی تک	
Mas mo	۲ - مس مو	
De mo	۳ - دمو	
Gulu	۱ - گوجو	ت و ستون - Tovaston تابستان
Nu sal	۲ - نوسال	
seya mo	۳ - سیامو	
Korach	۱ - کورچ	پ بیز Payiz پاییز
Owria	۲ - اوریا	
Tira mo	۳ - تیرمو	
Mardala mo	۱ - مرداله مو	زمستون Zamaston زمستان
Sharvara mo	۲ - شرورمو	
Mironah mo	۳ - میرونه مو	

توضیح :

در ایران باستان ماهها را ۳۰ روز حساب کرده و ۵ یا ۶ روز زائد را درست پس از اسفند و پیش از فروردین میاورده اند بنابراین چون «پی تک» سنگسری هم باید در پایان زمستان باشد ترتیب ماهها در اصل بطریق ذیل بوده است :

بهار - ۱ - مس مو

۲ - دمو

۳ - گوجو

- تابستان-۱-نوسال
 ۲- سیامو
 ۳- کورچ
 پائیز - ۱- اروپا
 ۲- قیرمو
 ۳- مرداله مو
 زمستان-۱- شروره مو
 ۲- میرونه مو
 ۳- آونه مو
 - پیتک

با تغییر فوق می بینیم که مس موبمعنی ماه بزرگ که اولین و مقدس ترین ماه ایران و ولادت زردشت در آن است در جای اصلی خود که ابتدای بهار است قرار میگیرد و ماه آبان که آخرین ماه سال در گاهنمای سنکسری است نیز بجای اول خود برمیگردد

مندرجات کتاب آثارالباقیه ابوریحان بیرونی نیز دال بر این مطلب است و پس از اشاره به ماه آبان و جشن آبانگاه مینویسد... پنج روز آخر این ماه، اول آن روز اشتاد است که فروردگان نام دارد در این روز در نوایس مردگان طعام و شراب در پشت خانه هامیگذاشتند و چنین گمان میکردند که ارواح مردگان از جایگاه ثواب و عقاب خود بیرون می آیند و از آن طعام و شراب میخورند و... در این روز ایرانیان بایکدیگر اختلاف دارند برخی گویند پنج روز آخر آبان ماه است و برخی میگویند که آن اندرگاه است که خمه لواحق آبان ماه و آذرماه باشد و چون اختلاف در آن زیاد شد و تنازع در آن نمودند برای احتیاط هر دو را عید گرفتند زیرا یکی از ارکان دین ایشان میباشد و پنجروز اول را فروردگان اول گفتند و پنجروز آخر را فروردگان دوم و این فروردگان از اول بهتر است. اول لواحق زائده اول گهنبار ششم است و در این روز بود که خداوند مردم را آفرید و نام آن همشفتنمید مگه است، بطوریکه می بینیم و میدانیم همشفتنمید مگه همان همسپت میدیم یعنی ششمین و آخرین گاهنبار

است که مقارن تجدید سال و موقع آفرینش انسان میباشد و فرود آمدن فروهران از اول آن شروع شد تا ده روز ادامه می‌یابد ثانیاً ماهیکه در آن فروهران فرود می‌یابند ماه اول سال نواست که بهمین مناسبت فروردین خوانده شده است. اینک چون بنسب گفته ابوریحان بیرونی گاهان بار ششم در آبان بوده باین نییجه میرسیم که در گاهنمای ایران قدیم یا لا اقل در صفحات شمال شرقی ایران که سنگسر نیز جزئی از آن است و بلافاصله بعد از آن (پیتک) گاهان بار ششم قرار دارد و بعد از آن سال تجدید میشود.

همچنین در کتاب آثار الباقیه در فصول مربوط به اعیاد سفدیان و خوارزمیان (ساکنین استانهای شمال شرقی ایران باستان) مذکور است که اول «نوسرد» از ماههای سفدی اول تابستان بود و اهل خوارزم با اهل سفد در آغاز سال و ماه مهر آمدند و اول تابستان نزد ایشان نوا سارچی است. هر گاه موقعیت اصلاح شده ماههای سنگسری را بطوریکه در بالا به آن اشاره شد قبول کنیم می‌بینیم که اول «نوسال» اول تابستان است و درست برابرتیر ماه قرار گرفته و معادل ماه اول تابستان سفدیان و خوارزمیان یعنی «نوسرد» و نوا سارچی، میشود که حتی از لحاظ تلفظ با آنها بسیار نزدیک است.

همچنین ماه تیر که در ایران باستان ماه خزان بوده (رجوع شود بفرهنگ شاهنامه طبع هند سال ۱۸۹۷ میلادی) در جای ماه دوم خزان قرار میگیرد. با استناد از آثار الباقیه و اطلاعاتیکه از گاهانبارها و موقع فرود آمدن فروهران داریم موقعیت ماههای «آونه‌مو» و «نوسال» و «تیرمو» سنگسری در جایهای اصلی شان معلوم و معین گردید و چون مسلماً ردیف ماهها را عشایر سنگسر حفظ کرده‌اند موقعیت سایر ماهها نیز بصورت اصلاح شده آن صحیح است و دیگر تردیدی در آن راه ندارد زیرا تغییر موقعیت فقط با احتساب ساعات اضافه بر ۳۶۵ روز سال بوده و در ردیف ماهها دخالتی بعمل نیامده است بی‌مناسبت نیست که برای تصویر تغییر موقعیت غیر محسوس ماههای سنگسری بیت شعر سنگسری اشاره کرده و آنرا تفسیر نماییم.

شروره مو اولی و بهاره Sharvara mo avoli viharah

خیمه و خر گاه میونی لاره Mayoni larah Kheimah vo khargan

یعنی ماه شهریور اول بهار است - و خیمه و خر گاه میان لارا است.

اکنون نه تنها شروره مو اول بهار نیست بلکه در قلب زمستان قرار گرفته

و اول بهار برابر با ۲۱ «آونه مو» است.

حال ببینیم «شروره مو» چه وقت اول بهار بوده و این شعر در چه سالی سروده

شده است. ابتدا ایام ماههای قبل از عید را بهم میافزاییم تا معلوم شود «شروره مو»

چند روز از نوروز دور شده.

۳۰ روز شروره مو + ۳۰ روز میرونه مو + ۲۱ روز آونه مو = ۸۱ روز چون

برای هر یک روز فاصله گرفتن از نوروز چهار سال باید بگذرد بعبارت دیگر

باید چهارش ساعت زائد سال جمع شود تا یک روز تشکیل دهد، ۸۱ راضر بدر ۴

میکنیم که میشود ۳۲ سال. پس شعر فوق در ۳۲ سال پیش که شروره مو اول بهار

بوده در سال هشتم سلطنت شاه صفی فرزند شاه عباس کبیر سروده شده است و در

آن زمان عشایر سنگسر خیمه و خر گاه خود را در شروره مو بر فراز کوهها

میافراشتند.

بطوریکه در کتاب آثار الباقیه عن القرون الخالیه مذکور است رسیدگی

بمسئله مازاد ایام سال در ایران باستان تحت نظر مستقیم شاهنشاهان بوده است

با موقعیت امروزی «مس مو» و با احتساب ساعات اضافی معلوم میشود که سنگسرها

برای آخرین بار در سال ۲۶ پادشاهی انوشیروان دادگر (۶۴ قبل از هجرت برابر

۵۵۷ میلادی) حساب گاهنمای خود را تصحیح نموده اند و در آن سال «مس مو»

در جای اصلی خود بوده و از آن سال مانند سایر ماهها «پیتک» گردش غیر محسوس

داشته است و بر اثر بروز هرج و مرج پس از انوشیروان و بالاخره تسلط اعراب

موضوع رسیدگی باین حساب که مربوط به خود شاهنشاهان بوده از بین رفته و

فراموش شده است

اینک ترجمه ماهها تا آنجا که ممکن است.

۱ - مس مو بمعنی ماه بزرگ است

- ۲ - دموظاهرا بمعنی دی ماه است
- ۳ - کوجو معنی آن معلوم نیست . شبیه است به ماه «کواذ یا «کواد» سیستان قدیم . بردانشمندان است که معنی آنرا روشن کنند .
- ۴ - نوسال ظاهر بمعنی آن سال نواست اما اسم این ماه با «نوسرد» سفدیان و «ناوسارجی» خوارزمیان باید از یک ریشه باشد .
- ۵ - سیاه و معنی ظاهری آن «ماه سیاه» است اما سنگسریها به «سیاه» میگویند «س» پس «سیاه» باید معنی دیگری داشته باشد .
- ۶ - کورچ معنی آن معلوم نیست به «گریشت» که یکی از ماههای سیستان قدیم است شباهت دارد .
- ۷ - اوریا معنی آن معلوم نیست شاید Haurvatat یا خرداد اوستائی باشد
- ۸ - تیر موماه تیر است
- ۹ - مرداله موباید همان ماه مرداد باشد
- ۱۰ - شروره مو باید همان ماه شهریور باشد
- ۱۱ - میرونه مو ماه مهر است
- ۱۲ - آونه موماه آبان است
- ۱۳ - بیتک بهیزک ایران قدیم است

بیتک Pitak

در قسمت پیش اسامی ماههای سنگسری و همچنین معنی و مفهوم آنها را تا حدود امکان بیان داشتیم اینک می پردازیم به بیتک که همان بهیزک یا آخرین ۵ روز در پایان سال است .

ایرانیان قدیم معتقد بودند که اهورامزدا جهان و جهانیان را درش دوره آفریده که هر دوره آن ۵ روز بوده و گاه-ان بار یعنی هنگام جشن و سرور خوانده میشده است .

روز پنجم از چهار روز اول گرامی تر و جشن حقیقی است . اینک اوقات دوره های ششگانه را با توجه به آخرین روز آنها بدین ترتیب بیان میکنیم :

گاهان بار اول ۵ روز بعد از نوروز است و هنگام آفرینش آسمان میباشد .

گاهان بار دوم ۱۰۵ روز پس از نوروز و هنگام آفریده شدن آب است. گاهان بار سوم ۱۸۰ روز پس از نوروز و هنگام آفرینش زمین است. گاهان بار چهارم ۲۱۰ روز پس از نوروز و موقع خاقت روئیدنیهاست. گاهان بار پنجم ۲۹۰ روز بعد از نوروز است و در آن جانداران آفریده شده اند. گاهان بار ششم ۳۶۵ روز پس از نوروز است و چون در آن انسان آفریده شده و کار آفرینش حسن ختام یافته است بر گاهان بارهای دیگر برتری داشته و دارای نماز مخصوص بوده و هر روز از آن بنام یکی از کاتهای زردشت است و مجموع آن «همسپات میدیم» Hamaspath Maidyam نام دارد.

گرچه پنج گاهان بار اول در بین سنکسریها فراموش شده اما فقط آخرین و مهمترین آنها را بنام پیتک محفوظ نگاه داشته اند اما شرف و فضیلت آنرا بر سایر ایام سال از یاد برده اند.

در مجله سخن (آذر ماه ۱۳۳۸ - شماره ۹ - صفحه ۹۲۰) راجع به پیتک از زین الاخبار گردیزی چنین آمده است:

«روز بتیکان (پانزدهم دیماه) آن باشد که مغان تمائیلها کنند چون مردم از گل و یا از آرد و آن تمائیلرا از پس درها سخت کنند و اکنون آن بگذاشته اند که آن به بت پرستی ماند و آنرا منکر دارند.»

پیتکی - Pitaki یعنی «مربوط به پیتک» و آن سرمای پنج روز آخر سال است. سنکسریها عقیده دارند که هر پیتک همزمان بایک غروم Gharrum یعنی کولاک هواست و از این جهت آماده برای رو برو شدن با این سرمای احتمالی هستند و مانع زیان رسیدن به احشام خود میشوند.

ورمز Varmaz

اولین روز هر ماه را عشایر سنکسر و رمز میخوانند که همان «هرمز» یا «هورامزدا» است و این رمز دیگری از اصالت نژادی آنهاست که با وجود گذشت صدها سال از تسلط اعراب هنوز نام هورامزدا خدای بزرگ ایران باستان را از یاد نبرده و روز او را مقدس دانسته و در صدر هر ماه خود حفظ کرده اند.

بطوریکه میدانیم در گاهنمای ایران قدیم هر روز از ماه دارای نامی بوده و روز اول را بنام خدا (اهورامزدا) مینامیده‌اند.

فردوسی شاعر ملی ایران در بخش مربوط به تاجگذاری جمشید و جشن نوروز باین مطلب اشاره کرده میفرماید:

جهان انجمن شد بر تخت اوی از آن بر شده فسره بخت اوی
به جمشید بر گوهر افشاندند مر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هر مز فرودین بر آسوده از رنج تن دل ز کین

سنگسریها و رمز را روز مبارکی میدانند. در آن روز پیش از سرزدن آفتاب از خواب بر میخیزند و خود را برای مراسم آن آماده میکنند. زنان با بادیه‌های مسین بزرگ که روی سر خود حمل میکنند برای آوردن «ورمزی» و Varmazi یعنی «آب ورمز» خانه را ترك میگویند در بازگشت بتعداد افراد خانه سنگریزه در آب ریخته به خانه میآورند و یقین دارند که تندرستی خود و فرزندان خود را اقبال برای يك ماه چون سنگ محکم و پایدار کرده‌اند.

آنها که دارای گامی سبک هستند در بامداد ورمز با ظرفی آب خانه خود را ترك گفته آب را به پاشنه در بستگان و دوستان خود میریزند تا پلیدیها و بیماریها را از آنجا زایل کرده ضمناً آمدن خود را به ساکنین خانه اطلاع داده باشند زیرا تا این اشخاص که ورمزی Varmazi نامیده میشوند بیاشنه در آب نپاشند یا خود وارد خانه‌ای نشوند ساکنین آن خانه در را بروی دیگران نمیکشایند. در روز ورمز پیش از طلوع آفتاب دادن هر چیزی را بدیگران خصوصاً وام جایز نمیشمارند.

جدول مقایسه ماههای سنگسری با ماههای چند نقطه از مازنیان

ماههای چانسی	ماههای لاریجانی (نوا)	ماههای سنگسری
Unah maw	Ummawh	Avànà mo
Petak	Petak	Pitak
Awrekah mawh	Arkawh	Mas mo
Deà maw	Dehemawh	De mo
Vahmànàh mawh	Vahmannawh	Guju
Nuruzàh mawh	Nurzawh	Nòsàl
Slaw maw	Ferdinawh	Sià mo
Korchàh maw	Korchmawh	Kòrach
Harah Mawh	Haremawh	Owrià
Tirah mawh	Tiremaw	Tira mo
Merdawleh mawh	Malawtmawh	Màrdàla mo
Sharvareh mawh	Scharvawh	Sharvara mo
Murneh maw	Mirmawh	Mirona mo
اوژنه ماه	اونماه	۱- آژنه مو
پتک	پتک	پی تک
آرکه ماه	آراکماه	۲- مس مو
دآماه	دهماه	۳- دم مو
وهسته ماه	وهستماه	۴- گوجو
نوروزه ماه	نورزماه	۵- نوسال
سیا ماه	فردینماه	۶- سیامو
کرچه ماه	کرچماه	۷- کورج
هرماه	هرماه	۸- اوریا
تیره ماه	تیرماه	۹- تیر مو
مرداله ماه	ملازمه	۱۰- مرداله مو
شورزه ماه	ششورماه	۱۱- شورزه مو
میرونه ماه	میرماه	۱۲- میرونه مو

* شبیه است به ماه «آرک» یا «آرکی» ارمنی (بمعنی آفتاب)